

من، صلیبم را بر دوش می‌کشم

بیش‌تر از همه درک می‌کند. اوجالان بهتر از آن‌هایی که در پای تلویزیون نشسته بودند، می‌دانست که شرایط P.K.K./ چگونه است. و شرایط ترکیه چگونه. اوجالان بهتر می‌دانست که نظامیان ترک در پرتو حمایت قدرت‌های نامرئی، ترسیده خواسی برای ملت کرد و همسایگان دیده‌اند. مگر نه این‌که، ترک‌های سرمست از پیروزی، علی‌رغم فشارهای جهانی، حکم اعدام اوجالان را صادر کردند؟ مگر دوباره با گستاخی به شمال عراق تجاوز نکردند؟ و ... اوجالان می‌دانست که جنبش کرد اکنون در مرحله‌ای نیست که برای تهاجم قدم بردارد. شرایط جهانی و اقلیمی، کردها را در تنگنای تاریخی دشواری قرار داده است. از سوریه رانده شده‌اند، عراق، مکان امنی برای‌شان نیست، نمی‌توانند وارد ایران شوند. در ترکیه سرکوب می‌شوند و از اروپا و آفریقا رانده و به ترکیه آورده می‌شوند. اکنون در این شرایط رهبر یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های توده‌ای منطقه، چه باید می‌کرد؟ آیا باید همچنان از ضرورت مبارزه‌ی مسلحانه تا تسلیم حاکمان نظامی ترکیه سخن می‌راند؟ آیا باید سرنوشت دردناک و خونبار ملت خود را با یک تاکتیک نسنجیده و خیم‌تر می‌ساخت؟

واقعیت آن است که خوردمندی رهبری هر مبارزه، در رحمتیدن مبارز از بن‌بست و کم‌تر

به‌عنوان یک تبعه‌ی ترکیه، خواستار قطع خون‌ریزی در این کشور در چهارچوب یک جمهوری دموکراتیک است، چندان خوشایندمان نبود و وقتی آهو منکر «هرگونه فشار جسمی و روحی» روی خود شد، با شک و تردید به او نگاه کردیم و زمانی که اوجالان با قربانیان ترکی خشونت‌های داخلی ابراز هم‌دردی کرد، مشت‌های مان را در هم فشردیم که مگر کردهای به قتل رسیده انسان نبودند؟! اما واقعیت مبارزه، پیچیده‌تر و دشوارتر از آن است که در نگاه اول دیده می‌شود. مبارزه نیز برای خود قانونی دارد؛ شرایطی دارد؛ فرازی دارد و فرودی. آن‌کس که در اوج و نشیب، یک‌گونه قدم برمی‌دارد راه رفتن را نمی‌داند. و چگونه شگفت‌زده شدیم، وقتی P.K.K./ صریحاً تمام مواضع آهو را تأیید کرد و بر پایبندی‌اش بر تعهدات رهبر، تأکید کرد. شاید همه‌ی آن‌چه که بر صفحات تلویزیون، در آن روزهای محاکمه‌ی اوجالان گذشت، سریالی دردناک و باورنکردنی برای همه‌ی آن‌هایی بود که به حقیقت مبارزه‌ی کردها در کنار مرزهای مان ایمان داشتند. اما باید می‌دانستیم که قهرمانان افسانه‌ای ضرورتاً همیشه فریاد نمی‌زنند، همیشه مشت گره کرده ندارند و همیشه حمله نمی‌برند. گفتیم که مبارزه پیچیده است و پیچیدگی‌اش را مبارز

روز سی‌ام تیر ۱۳۷۸، روزی بود که چشم‌های بسیاری بر صفحه‌ی تلویزیون‌های محلی و ماهواره‌ای دوخته شده بود. همه می‌خواستند چهره‌ی مردی را ببینند که آخرین بار، با چشمان بسته در داخل یک هواپیما دیده بودند. می‌خواستند بدانند آن چهره‌ی بهت‌زده و سگرمه‌های درهم، اکنون، بعد از ماه‌ها اسارت، تا چه حدی درهم ریخته است؟ در این میان، چشم‌هایی بودند که خیره‌تر و نگران‌تر به نظر می‌رسیدند. اینان قلب‌های‌شان نیز تندتر از همه می‌تپید. اگر می‌شد نموداری از نگرانی‌ها، حسرت‌ها و نگاه‌های منتظر را بر روی نقشه‌ی جغرافیای منطقه ترسیم کرد، بی‌شک متراکم‌ترین آن در منطقه‌ی جغرافیایی شکل می‌گرفت که در جنوب شرق ترکیه، مرزهای سوریه و عراق و ایران واقع است. آن روز کردها، همه یک چیز می‌خواستند و همه از یک چیز نگران بودند: «آهو» کی می‌آید؟ آهو چه خواهد کرد؟

وقتی اوجالان با چهره‌ای ظاهراً بشاش‌تر از زمان دستگیری، در یک محفظه‌ی شیشه‌ای بر روی صفحات تلویزیون قدم گذاشت، بسیاری از ما خوشایندمان نبود. پس کو آثار زخم‌های مانده بر چهره‌ی قهرمان ما؟ کو آثار شکنجه‌ی نظامیان بی‌رحم ترک؟ و وقتی صدای مردانه‌ی آهو را شنیدیم که می‌گفت:

کردن رنج آن گروه از مردمی است که به صداقت او ایمان دارند. اکنون P.K.K/ فقط به یک چیز نیاز دارد: ادامه‌ی حیات. یورش همه جانبه‌ی ترک‌ها می‌خواهد حیات فیزیکی - نظامی P.K.K/ را نفی کند. می‌خواهد، کردها را به سمتی سوق بدهد که یا به انتحار دست بزنند و یا تسلیم شوند. او جالان با مسئولیت و آگاهی یک رهبر بزرگ، خطر را تشخیص داده است. او می‌داند همکاران سیاسی و امنیتی ترکیه با اسرائیل و قراردادهای سری بین دو کشور فرصت‌های جدیدی را در اختیار ترک‌ها قرار داده است تا با فراغ بال بیش‌تر به سرکوب آنان بپردازد. او جالان با درک این شرایط، به صلح روی آورده است. حتا در بند نظامیان مسلح صلح را برای مردم‌اش فریاد کرد. رهبر می‌خواهد مبارزه‌اش را در نزد افکار جهان و ملت‌های منطقه مشروع جلوه دهد. می‌خواهد به‌رغم ادعای ترک‌ها ثابت کند که مبارزه‌ی کردها، حاصل تلاش بی‌هوده‌ی یک مشت یاغی و وحشی و عاشقان تفنگ و باروت نیست که از کوه‌ها سرازیر می‌شوند، بلکه، مبارزه کردها، بروز حتمی و گریزناپذیر فریادهایی است که به سبب انکار هویت آنان، سرکوب خواسته‌هایشان، به‌رسمیت نشناختن فرهنگ و سنن‌شان و بالاخره نفی موجودیت‌شان سر داده شده است. او جالان، چون مرد مبارزه است می‌داند که هر مبارزه‌ای دو چهره دارد: یکی میدان جنگ است و صحنه‌ی رویارویی نظامی با حریف و پیروزی یا شکست در این میدان به تاکتیک‌های نظامی و مهارت‌های حمله و گریز بستگی دارد؛ اما میدان تعیین‌کننده‌تر، میدان مبارزه‌ی سیاسی و تبلیغاتی است، میدانی که به آسانی می‌تواند واقعیت‌های میدان جنگ را واژگونه جلوه دهد. او جالان با درک وضعیت جنبش خویش و در راستای استراتژی P.K.K/ اکنون مجال خوبی برای پیشبرد مبارزه‌ی سیاسی مردم‌اش به‌دست آورده است. او بر آن است، حتا برای مردم ترک نیز توضیح دهد که ما آن‌گونه نیستیم که سران ارتش‌تان می‌گویند؛ آن‌گونه نیستیم که نظامیان‌تان ترسیم کرده‌اند، ما نیز مردمی هستیم که به آرامش و صلح می‌اندیشیم، مشروط بر آن‌که حق حیات‌مان، حق حفظ میراث فرهنگی‌مان و حق برخورداری حقوق برابر، با دیگر شهروندان را داشته باشیم. وقتی دادگاه بدوی ترکیه، او جالان را به جرم خیانت به میهن به مرگ محکوم کرد، بار دیگر فریاد اعتراض جهانی بلند شد. کردها یک‌بار دیگر به نشانه‌ی حمایت از رهبر خویش به خیابان‌ها ریختند. اما این بار فریادها به رسایی گذشته نبود، گویی کردها کم‌کم داشتند واقعیت تلخ سرنوشت‌شان را می‌پذیرفتند. «هر یاغی سرانجام با یک گلوله کشته خواهد شد.»

حالا بیش از ۴ ماه از آن تاریخ گذشته است. دیوان عالی ترکیه، در میان انتظار و بهت گردهایی که تداوم حیات و جنبش‌شان را در گرو ماندن آپو می‌بینند، باید نتیجه‌ی بررسی‌اش را اعلام کند. با نگاهی به روز شمار حوادث این روزها، یک‌بار دیگر می‌توان واقعیت گم‌دی «تکرار تاریخ» را به چشم دید:

۲۵ آبان: کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا در پارلمان ترکیه گفت: دولت ترکیه باید حقوق کردهای این کشور را رعایت کند.

۲۸ آبان: عبدالله او جالان، رهبر حزب کارگران کردستان در بیانه‌ای که توسط وکلای او صادر شد، اظهارات کلینتون را یک تراژدی توصیف کرد و گفت: من آن را مهم و پُر معنی تلقی می‌کنم. ظاهراً اشاره‌ی او به نقشی است که دولت آمریکا در دستگیری و تحویل او به ترکیه بازی کرده بود. او جالان تأکید کرد: غیر منطقی است که غرب و کلینتون برای ما دموکراسی به‌همراه بیاورند. قبل از هر چیز خواست رهبران آنکارا و کردهاست که می‌تواند زمینه را برای دموکراسی فراهم کند.

۳ آذر ۱۳۷۸: در ترکیه گفته می‌شود که تصمیم دادگاه استیناف ترکیه (دیوان عالی) در مورد حکم اعدام او جالان فردا اعلام می‌شود.

۳ آذر ۱۳۷۸: وکلای عبدالله او جالان ابراز امیدواری کردند که دادگاه حکم وی را لغو کند. دوغان ارباس، یکی از وکلای او جالان اعلام کرد که موکل‌اش گفته است که برای صدور هر حکمی آمادگی دارد. وی از قول او جالان گفت: من برای مرگ آماده‌ام، من هر کاری که می‌توانستم برای بازگرداندن صلح به این سرزمین انجام داده‌ام.

۴ آذر ۱۳۷۸: دیوان عالی ترکیه، تقاضای استیناف او جالان را رد کرد و رهبر P.K.K/ را به خیانت به وطن، جدایی‌خواهی و تجزیه‌طلبی متهم و حکم مرگ وی را تأیید کرد.

۴ آذر ۱۳۷۸: گردهای رومانی در اعتراض به حکم دادگاه تجدید نظر، حکم مرگ او جالان را حکم مرگ تمامی مردم کرد دانستند.

۵ آذر ۱۳۷۸: کنگره‌ی ملی کردستان نماینده‌ی کردها مستقر در بروکسل، از آنکارا خواسته است که از اعدام عبدالله او جالان رهبر کردها خودداری کرده و وی را آزاد کند. کنگره از رهبران ترکیه می‌خواهد که از این فرصت تاریخی برای استقرار صلح و گفت‌وگو بهره بگیرد.

۵ آذر ۱۳۷۸: حزب کارگران کردستان ترکیه اعلام کرد: حکم اعدام عبدالله او جالان، دیرکل این حزب، تصمیم اخیر آنان را برای کنار گذاشتن مبارزه‌ی مسلحانه و روی آوردن به روش‌های دموکراتیک به خطر می‌اندازد.

۶ آذر ۱۳۷۸: گردهای برن، در اعتراض به تأیید حکم او جالان دست به تظاهرات

**یورش همه جانبه‌ی ترک‌ها
می‌خواهد حیات
فیزیکی - نظامی پ.ک.ک. را
نفی کند کردها را
به سمتی سوق بدهد
که یا به انتحار دست بزنند
و یا تسلیم شوند**



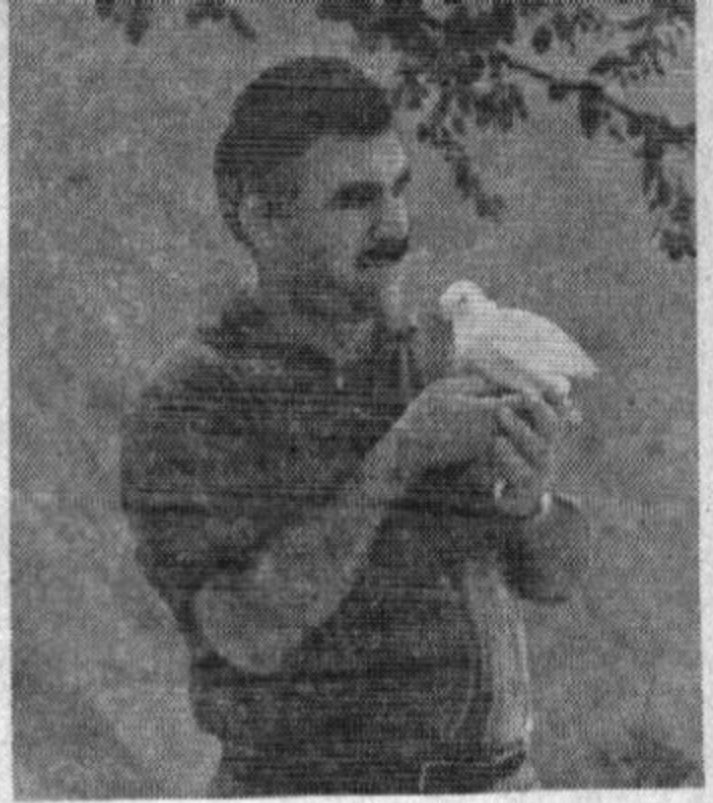
**آپو
گفت که وی
نقش تاریخی‌اش را انجام داده
و اکنون
وجدان راحتی دارد
و حتا در قبر هم نقش خود را
برای برقراری صلح
ادامه خواهد داد**



**ترکیه‌ای که
از نظر اقتصادی ضعیف
و از نظر سیاسی بی‌ثبات بوده
سعی دارد
تصویر روشن
از سوی اتحادیه‌ی اروپا را
تغییر دهد**



**فرور و وحشت آفرینی
استراتژی کسانی بوده است که
فقط در پرتو
قتل و غارت انسانی می‌توانند
تداوم حیات دهند
کردها اگر دست به سلاح بزنند
چاره‌ی دیگر نداشتند**



خشمگینانه زدند.

۷ آذر ۱۳۷۸: وکلای اوجالان اعلام کردند: تأیید حکم اوجالان تمام کردها را غمگین کرده است. دوغان ارباس اعلام کرد: مسأله‌ی اوجالان نقش مهمی در آینده‌ی مردم این سرزمین خواهد داشت و مسأله‌ی کرد هم به گره کوری تبدیل شده است. و می‌افزاید: علی‌رغم این‌که مسأله‌ی کردها با مسأله‌ی اوجالان پیوند خورده است، باید مسأله‌ی کردها در همین سرزمین حل و فصل شود و ترکیه هم فرصتی پیدا کرده است تا خود را از یک قانون مهجور (حکم اعدام) نجات دهد.

۴ آذرماه ۱۳۷۸: دولت‌های فرانسه، یونان، روسیه، دانمارک، آلمان و ایتالیا خواستار اجرا نشدن حکم اعدام اوجالان شدند.

۴ آذر ۱۳۷۸: اتحادیه‌ی اروپا از محکومیت مرگ اوجالان ابراز ناخرسندی کرد. گوانترو رهوگن کمیسر امور مربوط به گسترش اتحادیه‌ی اروپا گفت: این مسأله موجب یأس و نومیدی شده است و یادآور شده است که اگر قرار است ترکیه، از اعضای این اتحادیه شود، باید مجازات مرگ را لغو کند.

۵ آذر ۱۳۷۸. در چنین روزی، نخست‌وزیر



**اگر
ترکیه توانست
با نگاه به
اثرهای اقتصادی
و دیپلماتیکش
راه را برای
معاصره‌ی سیاسی پ.ک.ک.
هموار کند
خود نیز در دامی افتاده است که
قدرت‌های برتر
برایش ایجاد کرده‌اند**

فنلاند گفت: انتظار می‌رود که ماه آینده به ترکیه پیشنهاد شود تا نامزدی خود را برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا اعلام کند. وی با اشاره به برگزاری اجلاس سران در ماه دسامبر در هلستکی گفت: ما نیازمند دریافت نشانه‌هایی مثبت از سوی آنکارا هستیم. ترکیه نه تنها باید حکم اعدام اوجالان، بلکه باید اعدام را در کل لغو کند.

۶ آذر ماه ۱۳۷۸: اعضای پارلمان چپ دموکرات و حزب مام میهن و حزب راه راست در ترکیه اعلام کردند که مخالف اجرای حکم اعدام عبدالله اوجالان هستند.

۶ آذر ماه ۱۳۷۸: مطبوعات ترکیه بر تبعات منفی اعدام اوجالان بر مناسبات این کشور با اتحادیه‌ی اروپا تأکید کردند. روزنامه‌ی حریت نوشت: دولت ترکیه باید در اقدامات آینده‌ی خود در خصوص رهبر حزب کارگران کردستان تصمیم بگیرد. آیا خواهد ماندن باقی ماندن در بطن نظام اروپایی است یا خیر؟ حریت افزود: پارلمان این کشور باید حسن مسئولیت‌شناسی خود را نشان دهد.

۶ آذر ماه ۱۳۷۸: بسولت اجسویت نخست‌وزیر ترکیه، فشارهای بین‌المللی را در حمایت از اوجالان رهبر P.K.K. رد کرد. وی گفت: هیچ کشور و یا سازمان بین‌المللی نمی‌تواند چیزی را از راه اعمال فشار به ترکیه بقبولاند.

۷ آذر ماه ۱۳۷۸: دادگاه حقوق بشر اروپا در استراسبورگ، تقاضای وکلای مدافع اوجالان را مبنی بر درخواست از ترکیه جهت در نظر گرفتن یک مهلت در اعدام اوجالان پذیرفت. یکی از وکلای اوجالان تصریح کرد: این بدان معناست که قضات از ترکیه خواهند خواست تا اعدام اوجالان را تا زمان تصمیم این دادگاه به تعویق بیندازد و این کار بین ۱/۵ تا ۲ سال طول خواهد کشید.

۱۰ آذر ماه ۱۳۷۸: یک دیپلمات ترکی اعلام کرد که ترکیه درخواست دادگاه حقوق بشر اروپا را محترم خواهد شمرد.

۵ آذر ماه ۱۳۷۸: روزنامه‌ی ایستالیایی رپوبلیکا نوشت: ترکیه و ایتالیا پیمان مخفی را در خصوص سرنوشت عبدالله اوجالان منعقد کرده‌اند که بر اساس آن عفو اوجالان در مقابل عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا مورد توجه قرار می‌گیرد. این پیمان در دیدار لامبرتو دینی وزیر خارجه ایتالیا در سپتامبر گذشته از آنکارا صورت گرفت.

۱۰ آذر ماه ۱۳۷۸: وزیر مشاور در ترکیه به طرح ادعاهای مربوط به این‌که آلمان به ترکیه پیشنهاد تنگ در مقابل صرف نظر کردن از اعدام اوجالان را داده است، شدیداً رد کرد.

۶ آذر ماه ۱۳۷۸: حیدر بارسلان رهبر گروهی از گروه‌های انقلابی ترکیه که از P.K.K.

جدا شده‌اند، به دست نیروهای امنیتی کشته شد. این گروه در اعتراض به اقدامات صلح‌جویانه‌ی اوجالان از حزب وی جدا شده‌اند و تعهد کرده‌اند که به مبارزه‌ی خود در کوهستان‌ها تداوم خواهند بخشید.

۷ آذر ماه ۱۳۷۸: رادیو کردی برون مرزی در خلال مصاحبه‌ای اذعان کرد که مراد کاریلان یکی از رهبران ۷ گانه‌ی P.K.K. اخیراً از دولت هلند تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. وی از جمله کسانی است که با خط‌مشی اوجالان برای صلح با ترکیه مخالف است.

۵ آذر ماه ۱۳۷۸: اعلام شد که حزب دموکرات کردستان عراق، عملیات گسترده‌ای را بر علیه P.K.K. آغاز کرد. این عملیات مستقیماً توسط مسعود بارزانی هدایت می‌شد.

۵ آذر ماه ۱۳۷۸: اوجالان اعلام کرد که در قبر هم برای صلح تلاش می‌کند. در بیانیه‌ی مکتوبی که توسط وکلای اوجالان در یک کنفرانس مطبوعاتی قرائت شد، اوجالان گفت که وی نقش تاریخی‌اش را انجام داده است و اکنون وجدان راحتی دارد و حتا در قبر هم نقش خود را برای برقراری صلح ادامه خواهد داد و...

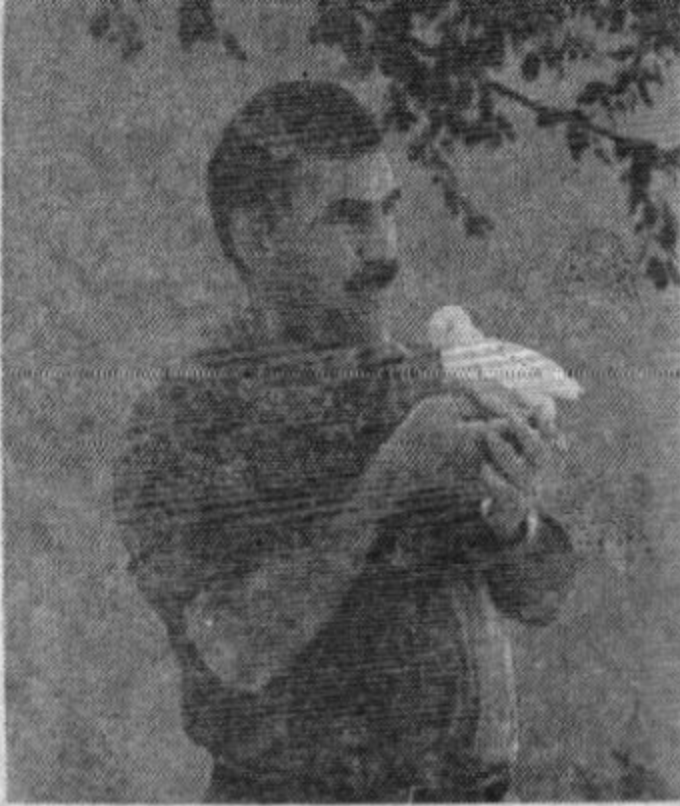
شاید در آینده، دولت ترکیه به حکم صادره در مورد اوجالان جامه عمل بپوشاند.

در آن صورت سرنوشت کردها چه خواهد شد؟ آیا کردها هم چنان فرایند صلح را ادامه خواهند داد؟ آیا ترکیه هم چنان درگیر جنگ قومی خواهند بود؟ روند خلع سلاح خود خواسته‌ی P.K.K. چه خواهد شد؟ حدود یک‌سال پیش، یعنی زمانی که هنوز آ‌پو دستگیر نشده بود و در مرز میان آوارگی و زندانی شدن قرار داشت. در ویژنامه‌ی انتخاب تاریخی P.K.K. گفتیم که انتخاب اوجالان انتخابی استراتژیک است. صلح اگر هم تاکتیک باشد به استراتژی P.K.K. تبدیل خواهد شد. اکنون می‌بینیم رهبر کردها حتا در قبر هم صلح را جست‌وجو خواهد کرد، چرا؟

بهرتر است گوشه‌ای از تحلیل خود اوجالان را از شرایط سیاسی و دیپلماتیک که P.K.K. در آن قرار داشت، و منجر به دستگیری‌اش شد، یادآور شویم:

وی گفت: از همان ابتدا واشنگتن و تل‌آویو در طراحی و اجرای برنامه‌ها دخالت داشتند. اوجالان گفت که تحرکات دستگیری وی بعد از خروج از سوریه آغاز شد و تمام توطئه‌های از سوی ناتو سرپرستی شده است. یگان‌های ویژه‌ی ناتو او را تحت کنترل خویش درآورده و هنگامی که از سوریه راهی یونان شده بود تحت نظارت ناتو بوده است. اوجالان در بیانیه‌ی خویش افزود:

سیا برای این‌که بتواند از صندوق بین‌المللی پول، قرض بگیرد، در این توطئه



هوا پرواز می دهند. مگر تا کی ژنرال‌ها می توانند به شکارشان بپردازند؟!... بخت ژنرال‌ها از آن رو، رو به افول است که اجلاس هلسینکی در راه است. اجلاسی که باید درباره‌ی عضویت ترکیه تصمیم بگیرد. ترکیه در انتظار آن است که حق عضویت در اتحادیه‌ی اروپا را به طور صددرصد دریافت کند. اما کشورهای اروپایی قبل از هر چیزی از ترکیه می خواهند که مسأله‌ی کردها و دموکراسی را حل و فصل کند. سفیر آلمان صریحاً اعلام کرد که: اگر حکم اوجالان اجرا شود باید عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا به فراموشی سپرده شود.

می بینیم که دشواری شرایط P.K.K/ به دولت ترکیه هم سرایت کرده است. اگر ترکیه توانست با اتکاء به اهرم‌های اقتصادی و دیپلماتیک‌اش، راه را برای محاصره‌ی سیاسی P.K.K/ هموار کند، خود نیز در دامی افتاده است که قدرت‌های برتر برایش ایجاد کرده‌اند. اگر چه هنوز خردمندی همه‌ی رهبران ترکیه به آن درجه نرسیده است که بتواند مسایل داخلی مردم خود را حل کنند، و برای ایجاد فشار بر مردمی که تاریخ‌شان فقط با رنج و خون بنا شده است، به یک دسیسه‌ی بین‌المللی دست نیازند، ولی چشم‌انداز تحولاتی که در افکار عمومی ترک‌ها درباره‌ی مردم کرد در ماه‌های اخیر ایجاد شده است امیدوارکننده است و این ممکن نبود جز با بی‌پروایی رهبری که برای صلح و آزادی مردم‌اش خود را به زنجیر افکند. اکنون آهو صلیب بر دوش گرفته است و با خاری بر سر از دخمه‌های سیاه‌چال امیرالی بالا می آید. هلله‌ای در میان‌اش می‌گیرد، خانام‌ها نیستند، «مریم» هم نیست و «مجدلیه» نیز. فریادهایی بر می‌خیزد، «بردار بکشیداش» «قاتل را بردار بکشید». ضجه‌ی مادری است که عکس فرزندش را در دست دارد. نگاه مات آهو بر او خیره می‌ماند. ژنرال‌ها در میان‌اش گرفته‌اند، «خار بر سر» می‌ایستد. یک آن دست‌هایش را بر صلیب می‌بیند و گوشت‌اش را و نانی هست و شرابی. و آن سوی کوه‌های جنوب ترکیه «مریم»‌هایی را می‌بیند که بدرقه‌اش می‌کنند: «تو باز خواهی گشت» و «نجات‌مان خواهی داد».

بزرگ ناتو در پشت‌سر خواهد داشت، می تواند از ۱۹۹۱، اقامی توان دیپلماتیک خود سود جوید. پس نگاه ژرف‌نگر رهبر کردها، در پس این همه تحولات، چه چیزی را دیده است که به‌زعم ناز و کرشمه‌های سبعانه‌ی ژنرال‌ها هم‌چنان صلح را فریاد می‌کند؟ مگر نه این‌که گروه گروه از میلیشاهای او که آهو را پرستش می‌کنند، اسلحه‌های خود را تحویل می‌دهند و باز تحقیر می‌شوند؟ مگر نه این‌که غرش غرورانگیز سلاح‌کردها دیگر کم‌تر در کوهستان‌ها شنیده می‌شود و در همان ژنرال‌ها مستانه عریده‌ی جنگ سرد می‌دهند؟ مگر نه این‌که هم‌رزم او که اکنون به هلند رفته است، ممکن است رهبری‌کننده‌ی انشعابی در درون سازمان او باشد که با سیاست صلح وی موافق نیستند؟ این‌که گفته می‌شود اروپا در یک ژست انسان‌دوستانه سعی خواهد کرد بر سر زنده ماندن اوجالان (نه سرزمین و هویت برای کردها) و عضویت ترکیه در جامعه‌ی اروپا معامله کند، برای آهو هشدار دهنده نیست؟ به نظر می‌رسد، چنین است. گفتیم که خردمندی رهبری یک مبارزه در آن است که آن‌را با کم‌ترین هزینه به اهداف‌اش برساند. انتخاب استراتژیک صلح کردها از آن‌رو حیاتی است که تداوم جنگ تنها به نفع چکمه‌پوشانی در دولت ترکیه است که می‌خواهند همیشه در بحران زندگی کنند.

اوجالان چه بماند و چه بمیرد، به دلیل آن‌که نقش تاریخی یک رهبر خستگی‌ناپذیر و خردمند را ایفا کرده است، برای گردان سراسر جهان، جاودانه خواهد شد. اکنون ترکیه نیز بر سر یک دوراهی سیاسی قرار گرفته است. از یک سو، دولت‌های اروپایی، حلوای «پذیرش نامزدی ترکیه در جامعه‌ی اروپا» را برای ترک‌ها به میان می‌کشند و در همان حال، چماق «عدم رعایت حقوق بشر، عدم لغو مجازات اعدام، را بر سرشان می‌کوبند. همان‌طور که دیدیم برخی رهبران سیاسی و رهبران احزاب، اولویت اول را به پذیرفته شدن ترکیه در جامعه‌ی اروپا می‌دهند، و لغو حکم اعدام اوجالان را برای ترکیه مصلحت سیاسی تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد که طرفداران «سیاست مشت آهنین» در مقابل کردها هر روز در ترکیه در اقلیت قرار می‌گیرند. انتخاب صلح از سوی P.K.K/ و تعهد جدی آن‌ها به رهبری مبارزه برای تحویل سلاح‌ها و یا خروج از حوزه‌های بحرانی در ترکیه، اکنون برای افکار عمومی ترکیه نیز ثابت خواهد کرد که جنگ طلبی شیوه‌ی کردها نبوده است. ترور و وحشت‌آفرینی، استراتژی کسانی بوده است که فقط در پرتو قتل و غارت انسانی می‌توانند تداوم حیات دهند. کردها هم اگر دست به سلاح بُردند، چاره‌ی دیگر نداشتند، اکنون کردها کبوتران صلح‌شان را یکی یکی به

شرکت کرد. دولت آلمان خود را مسئول ندانست و ایتالیا هم نتوانست با بق اول دموکراتیک رفتار کند. استخبارات یونان در این پروسه با واشنگتن و تل‌آویو در صدد مذاکره بودند. وی می‌گوید: اسرائیل برای این‌که سوریه را به خود جلب کند، در این پروسه شرکت جست. اوجالان ادامه می‌دهد: وقتی در هواپیما چشم‌هایم را باز کردم، گفتم که من برای صلح زندگی می‌کنم. اکنون این یک توطئه است و ما این توطئه را خنثا می‌کنیم. هدف این توطئه برادرکشی است.

اوجالان از کدام توطئه حرف می‌زند؟ توطئه‌ی بین‌الملل برای درهم شکستن مقاومت تاریخی کردها، ملتی که موجودیت‌اش انکار شده است؟ همان‌طور که وقتی کلیتون در ترکیه بر احترام به حقوق کردها تأکید می‌کند، اوجالان ضمن جای تأمل دانستن این موضع‌گیری‌ها، آن‌را یک تراژدی می‌داند. تراژدی‌ای که سال‌ها حقوق کردها انکار شد و یا این‌که اوجالان از توطئه‌ی تداوم جنگ در ترکیه سخن می‌گوید؟ در آن صورت چه کسانی از آن بهره‌مند خواهند شد؟ ژنرال‌ها؟ مردم ترک یا خلق کرد؟ روزنامه‌ی شافاک ترکیه در مورد وضعیت ترکیه می‌نویسد:

ترکیه‌ای که از نظر اقتصادی ضعیف و از نظر سیاسی بی‌ثبات بوده است، سعی دارد تصویر رد شدن از سوی اتحادیه‌ی اروپا را تغییر دهد. سعی دارد با استفاده از تمام امکانات دیپلماتیک، اقتصادی و نیروی نظامی خود حق عضویت در اتحادیه‌ی اروپا را به چنگ آورده و در عین حال، نظر قدرت‌های بزرگ جهان را به خود جلب کند. اقتصاد ترکیه که علی‌رغم رشد سرسام‌آور تورم در حال توسعه بود، از یک سری زلزله که به بهای جان ۱۸ هزار نفر و خسارات مادی بیست میلیارد دلاری تمام شد، آسیب شدید دید. در این شرایط، موفقیت ترکیه به توان‌مندی‌های این کشور در حل مسایل داخلی‌اش بستگی دارد. ترکیه، در حوزه‌ی بالکان، قفقاز، شمال عراق، درگیری‌های قبرس، صلح خاورمیانه، توسعه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، خط لوله بسیار مهم، تجارت مواد مخدر و خلاصه در همه چیز دستی بر آتش دارد.

ترکیه به دنبال تصمیمات اتخاذشده در سال ۱۹۹۷ در لوگزامبورگ کسب از سوی سیاست‌مداران ترک به‌عنوان یک تحقیر قلمداد شد، با رد مذاکره با اروپا در مسایل سیاسی، ترجیح داد که سیاست خارجی شاهین‌گونه را دنبال کند.

کارشناسان می‌گویند: اگر آنکارا برای ورود به اتحادیه‌ی اروپا از سعی خود برای راضی کردن اروپا منصرف شود، با حمایتی که با ۵۰۰ هزار نیروی نظامی خود به‌عنوان دومین قدرت